

مبانی استنباط نظریه‌های علمی احادیث*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و محمد حسین بهرامی*** و مرتضی فدایی****

چکیده

فهم احادیث علمی اهل بیت علیهم‌السلام از مسائلی است که در صورت عدم توجه به مبانی، ضوابط و شیوه‌های اختصاصی فهم این دسته از احادیث، می‌تواند منجر به تحمیل نظریه‌های علمی بر احادیث و موجب برخی آثار منفی هم‌چون: تفسیر به رأی، تأویل‌های غیرمجاز و شک در احادیث گردد.

مواردی مانند: نبودن تعارض واقعی بین حدیث و علم، هماهنگی بسیاری از مطالب علمی احادیث با نظریه‌های علمی اثبات‌شده، قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی، وجود روایات علمی در احادیث، عدم وجود همه علوم در روایات، به عنوان مبانی و پیش‌فرض‌های مواجهه با احادیث علمی، مطرح شده است، که توجه به این مبانی در کنار توجه به ضوابط فهم علمی احادیث، موجب می‌گردد که پژوهشگر در استنباط نظریه‌های علمی احادیث دچار خطا و اشتباه نگردد.

واژگان کلیدی: حدیث، مبانی فهم، نظریه‌پردازی، شرح علمی روایات، احادیث علمی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱.

** . استاد جامعه المصطفی العالمية: rezaee@quransc.com.

*** . عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمية: mbahrami@noornet.net.

**** . دانش آموخته دکتری رشته علوم حدیث تطبیقی (نویسنده مسئول): fadaemortaza@gmail.com.

مقدمه

در کتاب‌ها و مقالات متعددی، مواردی هم‌چون: «حکیمانه و وحیانی بودن احادیث، امکان و جواز فهم و شرح احادیث، حجیت ظواهر روایات، معتبر بودن حدیث، تقیه‌ای نبودن حدیث (لزوم توجه به جهت صدور) و معناداری زبان روایات و زبان خاص آن‌ها»، به عنوان مبانی و پیش‌فرض‌های هنگام مواجهه با احادیث معصومان (علیهم‌السلام)، مورد بررسی قرار گرفته است؛ خواه آن حدیث یکی از اقسام چهارگانه احادیث علمی (اشارات علمی اندیشه‌ساز، اشارات علمی شگفت‌آمیز، اعجازهای علمی، نظریه‌پردازی‌های علمی) محسوب گردد و خواه آن‌که اصلاً آن حدیث، متضمن مباحث علمی نباشد (ر.ک: عابدی، «وحی قرآنی و وحی بیانی»، شماره ۱۳، ۱۳۸۷؛ نصیری، آشنایی با علوم حدیث؛ مسعودی، آسیب‌شناخت حدیث؛ همو، روش فهم حدیث؛ صرامی، مبانی حجیت آرای رجالی). در این نوشتار مواردی که به عنوان مبانی و پیش‌فرض‌های یک پژوهشگر هنگام مواجهه با احادیث علمی، مطرح است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی مبانی

لغت‌شناسان مبانی را جمع «مبنی» به معنای بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه دانسته‌اند (ر.ک: طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵: ۶۳/۱، ذیل واژه «بنا»؛ دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۲۰۱۱۲؛ انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۷/۶۶۰۳).

آنان این واژگان را با کلماتی مانند: اصل، قاعده، ضابطه مترادف شمرده‌اند. در کتاب‌های لغت تفاوت روشنی بین «اصل» و «مبنا» گفته نشده است (ر.ک: ابن فارس، ترتیب مقایس اللغه، ۱۴۰۴: ۳۲/۱۱۸-۱۲۰؛ ابن درید ازدی، ترتیب جمهره اللغه، ۱۳۸۴: ۶۷، ۱۷۱. در فروق اللغه ابوهلال عسکری نکته‌ای در این باب یافت نشد). و به گونه معمول نویسندگان آن دو را به جای یکدیگر به کار می‌برند (جواهری، درسنامه ترجمه قرآن، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۵) و گاهی تفکیک ناپذیرند (رضایی اصفهانی، منطق ترجمه قرآن، ۱۳۸۷: ۱۹) لکن به استناد برخی پژوهش‌ها، می‌توان گفت که اصل قواعد و قوانینی است که یک دانش بر آن استوار است، آن‌گونه که هیچ‌کس در ضرورت و موجودیت آن قوانین اختلاف نکند و مبنا قواعد و پیش‌فرض‌های یک پژوهشگر است که در ابتدای کار بسان یک اصل برای خود قرار می‌دهد، خواه دیگران آن را بپذیرند و خواه نپذیرند و از این‌رو مبنا را می‌توان مشتمل بر اصل دانست؛ یعنی هر اصلی مبنا نیز هست، اما هر مبنایی اصل نیست (راد، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن، ۱۳۹۰: ۳۰). کلمه مبانی به تدریج در استعمال محققان

علوم به حوزه پیش فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و حتی بر دلایل اثبات یک نظریه اطلاق شده است؛ نمونه آن اطلاق واژه «مبانی» بر علمی هم‌چون: تفسیر، فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، تاریخ، جغرافیای سیاسی یا استعمال واژه مبنا در نظریه نسبیت انیشتین یا نظریه تکامل داروین است که شامل دلایل، مفاهیم اساسی و اصول کلی آن دانش و گاه با توسعه‌ای شامل اصول موضوعه کلامی و فلسفه‌های آن‌ها می‌گردد؛ مثلاً مبانی فلسفی یا کلامی فقه یا مبانی اخلاقی حقوق و غیر آن دو (بهجت‌پور، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی اصول قواعد و فواید، ۱۳۹۲: ۲۵ و ۲۶). مراد از اصطلاح «مبانی» در این نوشتار بیان پیش فرض‌ها و اصول موضوعه کلامی است.

اقسام احادیث علمی

در حوزه‌های مختلف علوم بشری، از معصومان علیهم‌السلام روایات علمی متعددی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به چهار دسته مهم تقسیم نمود: اشارات علمی اندیشه‌ساز احادیث، اشارات علمی شگفت آمیز احادیث، اعجاز‌های علمی احادیث و نظریه‌پردازی‌های علمی احادیث (رضایی اصفهانی، حدیث و علوم جدید، ۱۳۹۲: ۷۲). در این قسمت به تعریف هر کدام از این موارد پرداخته می‌شود.

الف) اشارات علمی اندیشه‌ساز احادیث

مراد از «اشارات علمی اندیشه‌ساز احادیث» آن دسته از روایات علمی می‌باشند که مضمون آن‌ها در مورد آسمان، زمین، حیوانات، طبیعت و... است و انسان را به تفکر در آن‌ها فرا می‌خواند و گاه آن‌ها را نشانه‌ای بر وجود خداوند متعال و معاد برمی‌شمرد؛ اما ظاهر روایت متضمن مطلب شگفت‌انگیزی نیست.

این‌گونه از احادیث، توجه انسان را به جلوه‌های آفرینش زیبای الهی جلب می‌کند و زمینه رشد علمی بشر را به ویژه در علوم تجربی فراهم می‌سازد. شگفتی خلقت خفاش که در کلام امام علی علیه‌السلام به آن اشاره شده است، نمونه‌ای از این دسته است:

«از جمله ظرافت‌های صنعت و شگفتی‌های آفرینش او، حکمت‌های نهفته در این خفاش‌هاست که به ما نشان داده است؛ خفاش‌هایی که نور که گشاینده [دیده] هر چیزی است دیده آن‌ها را می‌بندد، و تاریکی شب که دیده هر موجود زنده‌ای را می‌بندد دیده آن‌ها را باز می‌کند...» (محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ص ۲۱۷، خطبه ۱۵۵).^[۱]

ب) اشارات علمی شگفت آمیز احادیث

برخی روایات به مطالب علمی و قوانین جهان اشاره می‌کند، که شگفتی هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد و اما از آنجاکه این مطالب پیش‌تر در قرآن آمده است یا برخی دانشمندان آن را به صورت دیدگاه‌های غیر مشهور در مراکز علمی مطرح کرده‌اند، اعجاز علمی احادیث به شمار نمی‌آید؛ بلکه نوعی مخالفت با دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشهور در علوم آن عصر است که شگفت‌آور است و دلالت بر عظمت علمی معصومان علیهم‌السلام دارد. به این دسته از روایات علمی، اشارات علمی شگفت‌آمیز احادیث اطلاق می‌گردد.

روایت ذیل که از سخنان امام صادق علیه‌السلام است و در آن به حرکت زمین اشاره شده است، از جمله این موارد است.

«همه چیز دلالت بر پدیده بودن خود (حدوث) می‌کند؛ از حرکت دورانی افلاک و محتوای آن که عبارت است از هفت فلک و حرکت زمین و افراد ساکن بر آن و تغییرات زمان‌ها و تفاوت اوقات ...» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۷۸/۵۴، ح ۵۳).^[۲]

ج) اعجازهای علمی احادیث

در صورتی که در زمان صدور، کسی از مطلب علمی مورد بحث در روایت، آگاه نبوده، و آن مطلب رازگویی‌های علمی محسوب گردد که در روایات به صورت آشکارا آمده است و بلکه مدت‌ها بعد از صدور مطلب علمی توسط معصوم، دانشمندان آن را کشف کرده باشند، این قسم از احادیث، اعجازهای علمی احادیث نامیده می‌شود. مانند روایتی که در آن نقل شده امام علی علیه‌السلام هنگامی که کنار نهر فُرات نشسته بود و در دستش چوبی بود که آن را به آب می‌زد و در آن حال چنین فرمود: «اگر می‌خواستم، می‌توانستم برای شما از آب، نور و آتش ایجاد کنم» (محمدی ری‌شهری، دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۱۳۸۹: ۱۱/۴۱۲، ح ۵۶۱۴).^[۳]

در این روایت، امام علی علیه‌السلام مضمون سخنش را روشن نکرده و مطلب را در شکل رمز، بیان فرموده است؛ چون خُرده‌ها در آن زمان، بیش از این را بر نمی‌تابیدند و در کلام آن حضرت که فرمود: «از آب، نور و آتش برایتان ایجاد می‌کردم» دلالت ظریفی بر نیروی موجود در آب است که می‌توان از آن، نور (برق) و آتش (نیروی حرارتی) ایجاد کرد. اگر ژرف‌نگری کنیم، درمی‌یابیم که آب، از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن به وجود آمده است که اولی قابل احتراق و تولید نور است و دومی به احتراق، کمک می‌کند و حرارت ایجاد می‌کند. افزون بر این، در آب طبیعی، به نسبت دوبه ده هزار، آب سنگین (H_2O) وجود دارد که آن را به منبعی طبیعی برای هیدروژن سنگین که از آن به «دوتریوم» (Deuterium) یاد می‌شود و با «D₂O» نمایش داده می‌شود، تبدیل می‌کند و این

نمونه، پایه اصلی در ترکیب بمب هیدروژنی است که بر پایه ترکیب دو اتم دوتریوم برای تشکیل هلیوم است و البته نیروی به دست آمده از این ترکیب که منشأ نیروی خورشیدی است هزاران بار بر نیروی به دست آمده از بمب اتمی که بر پایه اورانیوم است افزون تر است. برای درک بیشتر موضوع، یادآوری می شود که محصول یک گرم هلیوم که از ترکیب دوتریوم به دست می آید، نیرویی معادل ۶۷۵ میلیون میلیارد ارگ (دویست هزار کیلووات ساعت) است (همان، ۴۱۳، به نقل از تصنیف نهج البلاغه، ۷۸۳).

د) نظریه پردازی های علمی احادیث

برخی از احادیث معصومان (علیهم السلام) متضمن مطالبی است که در حال حاضر، علم بدانها دسترسی پیدا نکرده و هرچند از نظر علوم جدید به اثبات نرسیده است، اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب نداریم و در عین آن که برای اثبات آنها فعلاً شواهد و مستندات تجربی در دست نداریم اما ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی های علمی احادیث، در آینده اثبات شود. این موارد را می توان به عنوان نظریه های علمی احادیث مطرح نمود، و هم چون دیگر نظریه های علمی به دنبال شواهد و مستندات تجربی آنها بود (رضایی اصفهانی، حدیث و علوم جدید، ۱۳۹۲: ۷۷).

برای نمونه، در روایات به وجود موجودات زنده در کرات دیگر اشاره شده است که به عنوان نظریه علمی احادیث در مباحث کیهان شناختی قابل طرح و بررسی است؛

هر چند برخی نشانه های کیهان شناختی برای وجود موجودات زنده و باشعور در کرات دور دست ادعا شده است، اما دانشمندان کیهان شناس هنوز نظری قطعی در این زمینه ابراز نکرده اند. در روایات متعددی سخن از وجود موجودات زنده در کرات دیگر به میان آمده که این موارد، می تواند به عنوان یکی از نظریات علمی احادیث، مبنای تحقیقات تجربی و گسترده کیهان شناسی قرار گیرد. هم چون روایتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل گردیده که حضرت فرمود: «بدانید که آن سوی این مغرب شما، سی و نه مغرب است. زمینی سفید (نورانی) و آکنده از مخلوق که همگی از نور آن زمین، روشنایی می گیرند» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸/۲۳۱، ح ۳۰۱).^[۴]

مبانی فهم احادیث علمی

احادیث علمی، به اقسام چهارگانه: اشارات علمی اندیشه ساز، اشارات علمی شگفت آمیز، اعجازهای علمی، نظریه پردازی های علمی قابل تقسیم است در این قسمت مواردی که به عنوان مبانی و پیش فرض های یک پژوهشگر هنگام مواجهه با این چهار قسم از احادیث علمی، مطرح است مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. وجود روایات علمی در احادیث

در میان احادیث پیامبر اکرم و اهل بیت هزاران حدیث علمی وجود دارد که این احادیث، حوزه‌های علوم طبیعی (مانند: پزشکی، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، کیهان‌شناسی و...) و علوم انسانی (مثل علوم تربیتی، اقتصاد، سیاست، مدیریت و...) را شامل می‌شود که جهت فهم و شرح آن‌ها می‌توان از علوم بهره گرفت در این بخش به ارائه گزارشی از آمار این احادیث و موضوعات آن‌ها از مجموعه بزرگ «بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار» پرداخته می‌شود. مرحوم علامه مجلسی رحمته الله برای اولین بار تحت عنوان «کتاب السماء و العالم» صدها روایات علمی را گردآوری نموده است که مطابق چاپ بیروت در مجلدات ۵۴ تا ۶۳ و مطابق چاپ ایران در مجلدات ۵۷ تا ۶۶ سامان‌یافته است.

شمارگان احادیث علمی بحارالانوار^[۵]

الف) احادیث علمی بحارالانوار از بخش کتاب السماء و العالم

موضوع	تعداد روایت
طب و بهداشت	۱۶۹۸
کیهان‌شناسی	۱۰۵۴
زیست‌شناسی (گیاهان)	۴۶۹
زیست‌شناسی (حیوانات)	۳۳۰
زیست‌شناسی (انسان)	۱۷۶
زیست‌شناسی (پرندگان)	۵۴
روان‌شناسی	۳۷
مجموع روایات علمی	۳۸۱۸

ب) آمار احادیث علمی بحارالانوار، از سایر بخش‌های بحار

موضوع	تعداد روایت
طب و بهداشت	۹۱۷
روان‌شناسی	۴۳۱
حقوق	۳۷۰
مدیریت	۳۹
اقتصاد	۳۶
علوم نظامی	۳۳
کیهان‌شناسی	۶
زیست‌شناسی (حیوانات)	۶
زیست‌شناسی (گیاهان)	۴
مجموع روایات علمی	۱۸۴۲

۲. نبودن تعارض واقعی بین حدیث و علم

در باب تعارض حدیث و علوم در واقع دو فرض وجود دارد. در فرض اول تعارض علم با حدیث گاهی تعارض با «ما نسب الی المعصوم» است و گاهی تعارض با «ما صدر عن المعصوم»؛ تعارض نوع اول ممکن است و وجود دارد، اما تعارض نوع دوم محال است. پاسخ این پرسش که آیا احادیثی که امروزه در اختیار ما قرار دارد، حدیث به معنای «صدر عن المعصوم» است یا حدیث به معنای «ما نسب الی المعصوم؟» کاملاً روشن است.

لذا وظیفه علما و اندیشمندان دین است که در صورت وقوع تعارض حدیث با یافته‌های قطعی علوم، یا باید با جدیت کامل، نسبت صدور احادیث علمی را به معصوم ثابت نمایند، یا زمینه و فرایند فهم حدیث را به همراه مبانی آن به خوبی فراهم کنند یا با توجیهاات و تأویل‌های درست و منطقی نسبت به احادیث علمی اقدام نمایند. اگر دو طرف، ظن آور باشد، در این حالت، سکوت و توقف را اختیار نمایند و اگر طرف علم، قطع آور باشد، در چنین صورتی می‌توان به تخصیص گزاره‌های روایی پرداخت هم‌چنان که عقل سلیم نیز می‌تواند مخصص گزاره‌های روایی و حتی آیات قرآن باشد.

یکی از مبانی دیگری که می‌تواند سبب برتری و ارجحیت علم قطعی بر حدیث و لو صحیح شود، عدم حجیت خبر واحد است؛ چرا که علم قطعی - چنان که از نامش پیداست - علم است، حال آن که خبر واحد علم آور نیست. در چنین حالتی علم قطعی جنبه کاشفیت دارد بر این که سخن منسوب به معصوم در واقع از معصوم نبوده است. علت معیار قرار دادن علم قطعی در نقد احادیث نیز همین است. براین اساس، تعارض علم قطعی با حدیث صحیح نیز امکان پذیر است؛ چرا که حدیث صحیح السند اعتبار دارد، اما علم آور نیست و خود همین نکته سبب مرجوحیت آن است. اما احادیث قطع آور، مثل حدیث متواتر و اخبار محفوظ به قرائن قطعیه به حسب تعریفی که از آن دو شده، امکان ندارد با یافته‌های قطعی علوم، تعارض حقیقی داشته باشد. البته در مباحث بعدی خواهد آمد که قطعی شدن علوم هم فرایند ساده‌ای نبوده و نمی‌توان هر یافته تجربی را به عنوان علم قطعی به شمار آورد.

غیر از این دو مورد، تمام اخبار موجود ظنی هستند و حجیتشان با دارا بودن شرایط خاصی، مقبول است نه بیشتر. این در حالی است که اگر علم به مرحله قطع برسد، حجیتش قطعی و یقینی است. لازم به ذکر است که قرآن کریم نیز حجیتش ذاتی و قطعی است؛ چرا که در نقل متواتر است. بنابر این، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حدیث با علوم هم تعارض دارد و هم تعارض ندارد. عدم تعارض در صورتی است که منظور از علم، علم قطعی و منظور از حدیث «ما صدر عن المعصوم» باشد. اما این که گفته می‌شود تعارض دارد، منظور این است که تعارض ممکن است بدوی باشد که در واقع، تعارضی نیست.

علت محال بودن تعارض حدیث قطعی الصدور با علوم قطعی این است که هر دو عالم تشریح و تکوین به یک خالق علیم حکیم تعلق دارد و خدا ما را به تدبیر و تفکر در این دو عالم فرا خوانده است. یافته‌های علمی تجربی در واقع، نتیجه همان توجه، دقت، تدبیر و تعقل در عالم تکوین است و حکایت از یک واقعیت علمی در این عالم دارد و گزاره‌های تشریحی (قرآنی و روایی) نیز همین‌گونه. از طرف دیگر، از خدای حکیم با توجه به صفت حکمت و علمش، محال است که کاری سرزند که به خطا و اشتباه در نتیجه امر منجر شود؛ بنابراین، تعارض حقیقی میان عالم تکوین و تشریح محال است؛ چرا که منشأ هر دو واحد و خالق آن دو واحد است. به همین دلیل، مطالعه عالم تکوین در کنار عالم تشریح نه تنها مضر نیست، بلکه سودمند و مکمل نیز هست.

انسان باید با تعقل و تفکر، کنه آیات الهی را بشناسد و به بزرگی و عظمت حضرت حق پی ببرد که رسیدن به این مسأله بدون علم و آگاهی امکان‌پذیر نیست. اگر تدبیر، تفکر و تعقل در آیات تشریح فضیلت داشته و راه گشا باشد و سبب هدایت و ارشاد گردد، یافته‌ها و شگفتی‌های عالم تکوین نیز که از روی علم و تجربه حاصل می‌شود، همین خصوصیت را دارد و سبب هدایت و تقویت ایمان افراد می‌گردد. دلیلی ندارد که ما بین آن دو تفاوت قایل شویم. به همین دلیل اساساً تعمیم تعارض حقیقی علم و دین از جهان مسیحیت به جهان اسلام، تفکری کاملاً انحرافی تلقی می‌شود و اگر هم تعارضی بین علم و دین اسلام (قرآن و حدیث) به چشم خورد، راه حل دارد (کریمی، اسباب و زمینه‌های توهم تعارض علم و دین، مجله کلام اسلامی، ۱۳۸۳: ۵۲/ ۴۴).

با توجه به آن‌که کتاب و مقالات متعددی در باب رابطه علم و دین به رشته تحریر درآمده است با بررسی آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که بین حدیث و علم تعارض واقعی وجود ندارد، لذا این مورد را می‌توان به عنوان یکی از پیش‌فرض‌ها و مبانی استنباط از احادیث علمی مورد پذیرش قرارداد.^[۶]

۳. هماهنگی بسیاری از مطالب علمی احادیث با نظریه‌های علمی اثبات‌شده

روایات متعددی انسان‌ها را به دانش‌افزایی تشویق نموده و به تمجید و تکریم دانشمندان و بیان فضیلت ایشان پرداخته است (ر.ک: کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۰ به بعد «فضل العلم»؛ محمدی ری‌شهری، العلم و الحکمة فی الکتاب و السنة، بی‌تا: ۳۷۱).

چنانچه در سخنان اهل بیت علیهم‌السلام به تمجید از علم و عالمان پرداخته شده است در روایات ایشان به مطالب علمی فراوانی نیز اشاره شده است که همان‌گونه که گذشت برخی این احادیث را در چهار قسم، اشارات علمی اندیشه‌ساز، اشارات علمی شگفت‌آمیز، اعجازهای علمی و

نظریه‌پردازی‌های علمی احادیث دسته‌بندی نموده‌اند (رضایی اصفهانی، حدیث و علوم جدید، ۱۳۹۲: ۷۲). با در نظر گرفتن مطالب علمی احادیث درباره ستارگان، زمین، و گیاهان که با جدیدترین نظریه‌های اثبات شده علمی هماهنگ است، مشخص می‌گردد که بین این دسته از احادیث با آن نظریه‌های علمی هیچ گونه تعارضی وجود ندارد که برای نمونه به برخی موارد اشاره می‌گردد. البته در مورد برخی نمونه‌های ادعا شده در مورد ناهمسانی برخی احادیث با علوم، با تأمل و دقت در آن‌ها مشخص می‌گردد که تعارض مستقر و حقیقی بین آن آموزه‌ها و علوم وجود ندارد، زیرا اگر بین این دو تعارض باشد منتهی به تناقض می‌گردد و تناقض نیز محال است که به عنوان دومین مبنا از مبانی استنباط نظریه‌های علمی احادیث در همین نوشتار مطرح گردید. بعضی از پژوهشگران در مقام پاسخ‌گویی به این موارد ادعا شده، هم‌چون تعارض ادعایی درباره حدیث تأبیر النخل با لقاح گیاهان (سروش، نامه «بشر و بشیر» روزنامه کارگزاران، ۱۹ و ۲۰/۱۲/۱۳۸۷ش) پرداخته و اثبات نموده‌اند که بین مطالب علمی احادیث و نظریه‌های علمی اثبات شده هماهنگی وجود دارد (رضایی اصفهانی، «بررسی حدیث تأبیر النخل» علوم حدیث، تابستان ۸۸، ۵۲/۹۹-۱۱۲؛ حمید رضا فهیمی تبار، «کاوشی در روایت تأبیر النخل»، حدیث پژوهی، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ۱۸۵-۲۰۶؛ علی نصیری، «نقد شبهه راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی با تأکید بر روایت تلقیح خرما» اندیشه نوین، پاییز ۹۱، ۳۰/۹-۲۰). در ادامه به ذکر یک نمونه که بیانگر هماهنگی بین مطالب علمی احادیث و نظریه‌های علمی اثبات شده است، اکتفا می‌گردد.

خواص رنگ‌ها

رنگ بر نیازهای روحی - روانی، شرایط یادگیری، کنترل رفتار خشمگینانه، احساسات، درمان افسردگی، اختلالات یادگیری و سطح انرژی اثر دارد و برای کنترل نبض، تپش قلب، فشار خون، اشتها و حتی خواب مفید است. هم‌چنین در درمان بیماری‌هایی مانند: میگرن، سرطان، اعتیاد، امراض پوستی و حتی تومورهای مغزی مؤثر است (ر.ک: شریفی «رنگ از منظر قرآن، حدیث، و روانشناسی»، ۱۸۲-۱۶۱).

علم روان‌شناسی رنگ‌ها، تأثیرهای روانی رنگ‌ها بر انسان را مورد بررسی قرار می‌دهد، قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام هم ما را از این علم بی بهره نگذاشته و طعم این علم را از چهارده قرن قبل به ذائقه انسان چشانده است. هماهنگی بین مطالب ذکر شده در قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام در مورد خواص رنگ‌ها با یافته‌های علمی در علم روان‌شناسی رنگ‌ها کاملاً مشهود می‌باشد. در این قسمت به ذکر نمونه‌ای از آن اکتفا می‌شود.

در روایتی امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل فرمود: «در رنگ آسمان و درستی تدبیری که در آن است، بیندیش. این رنگ، سازگارترین رنگ با چشم و تقویت کننده‌ترین رنگ برای آن است، تا جایی که یکی از سفارش‌های طبیبان به کسانی که عارضه‌ای بدانان رسیده و به بینایی ایشان ضرر رسانده، این است که پیوسته به رنگ سبز و سبزی که مایل به سیاه است، بنگرند. طبیبان چیره‌دست، برای کسانی که چشمشان خسته است نیز این نسخه را تجویز کرده‌اند که: در ظرف سبزی که پُر آب است، بنگرید» (مفضل بن عمر، توحید المفضل، بی‌تا: ۱۷۷).

رنگ شناسان معتقدند رنگ آبی تیره (رنگ شب) ساختار آرامش و سکوت کامل است. این رنگ از یک تأثیر آرام بخش در سیستم اعصاب برخوردار است. فشار خون، نبض و تنفس در اثر آن کاهش می‌یابد و در عین حال، بدن تجدید قوا می‌کند و نیرو می‌گیرد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل تأکید اسلام برای تهجد و شب زنده داری نیز همین می‌باشد؛ چرا که انسان در لباس شب از آرامشی بهره مند می‌شود که حتی اثر آن به معاش در روز هم کشیده می‌شود.

رنگ آبی، مشترک بین آسمان و زمین و مانند رنگ سبز موجب تقویت چشم است. خداوند این رنگ را برای تسکین و آرامش آفریده است؛ از این رو؛ پزشکان آن را برای اتاق بیماران تب دار نیز تجویز می‌کنند (پهلوان حسین، روان‌شناسی رنگ‌ها و قرآن کریم، ۱۳۸۷: ۱۸۹-۱۹۰). این رنگ برای اتاق خواب پیشنهاد می‌شود؛ چرا که آرام بخش و خواب آور است (رستم‌نژاد، نوید، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

رنگ‌های مرتبط با این دو محیط (روز و شب)، رنگ آبی متمایل به تیره آسمان شب و زرد روشن نور آفتاب می‌باشد؛ لذا رنگ آبی متمایل به تیره، رنگ آرامش و عدم فعالیت است، در حالی که رنگ زرد روشن، رنگ امید و فعالیت است. چون هر یک از این دو نشان‌گر محیط‌های شب و روز است؛ از این رو، هر یک به جای این‌که در کنترل بشر قرار گیرد عاملی است که انسان را در کنترل خود دارد (لوشر، روان‌شناسی رنگ‌ها، ۱۳۷۳: ۱۹-۲۲).

۴. قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی

در مورد معیار شناخت علم از غیر علم و روش پدید آوردن فرضیه و قانون یا نظریه‌ها، در علوم تجربی، چهار دیدگاه وجود دارد؛

دیدگاه‌ها در شیوه پدید آوردن قانون یا نظریه در علوم تجربی به شرح ذیل است.

الف) تعمیم استقراء استدلالی (دیدگاه سنتی)

قبل از سده بیستم میلادی بر وجود "استقراء" در علم تأکید می‌شد و جهت کشف علت و تعمیم آن مراحل و سیری مطرح می‌گردید که به اختصار به آن اشاره می‌گردد.

- مشاهده و بررسی امور با حواس ظاهری، بدون هیچ‌گونه دخالت یا تصرف در مقدمات یا شرایط حصول آن؛

- طبقه‌بندی اطلاعات از مشاهده طبیعت؛

- ابراز فرضیه یعنی نظریه یا تئوری خاصی که مشاهده‌گر برای توجیه و بیان امور مشاهده شده پیشنهاد می‌دهد؛

- تکرار مشاهده در مکان‌ها و زمان‌های مختلف و با رعایت شرایط یکسان (تجربه)؛

- استقراء استدلالی که خود مرکب از دو عمل است؛ یافتن امری که با امر مورد نظر، مناسبات منظم و ثابتی داشته باشد (یافتن علت) و سپس برقراری قانون کلی (تعمیم نتیجه آزمایش).

ب) اثبات پذیری

بیشتر پوزیتیویست‌ها (positivists) و پوزیتیویست‌های منطقی (خرمشاهی، پوزیتیویسم منطقی، ۱۳۷۸: ۳) ^[۶] اعتقاد داشتند که تنها قضایایی معنادار و علمی هستند که به وسیله حس و تجربه تحقق پذیر باشند و قضایایی که فراتر از تجربه‌اند یا معادل حسی ندارند، بی‌معنا بوده و از جهان علم خارج‌اند.

طبق این اصل، اغلب عبارت‌های مورد نظر در فلسفه و همه جمله‌های متداول در متافیزیک و اخلاق و الهیات، نه صادق‌اند و نه کاذب؛ بلکه بی‌معنا هستند (بار بور، علم و دین، ۱۳۶۲: ۱۵۳). در ابتدای سده بیستم میلادی، پوزیتیویست‌ها راه‌حل دیگری برای تشکیل و کشف قانون در علوم تجربی بیان کردند که دارای مراحل بود: مراحل کشف قانون علمی در نظریه اثبات‌پذیری بر شرح ذیل است.

- مشاهده یا تجربه یک پدیده تجربی؛

- مرحله تعمیم استقرایی که امری ذهنی است و مشاهده‌گر پس از آن‌که بر اثر تکرار مشاهدات به سطحی از آمادگی روحی رسید که بتواند یک حکم کلی کند، این مرحله انجام می‌گیرد. مانند تجربه چندین باره جوشیدن آب در صد درجه و حکم کلی ذهنی برای جوشش همیشگی آب در این دما؛

- مرحله فرضیه؛ اگر دانشمندان مرحله قبل را در قالب یک جمله بیان و اظهار نمایند این مرحله اتفاق می‌افتد؛

- اقدام در جهت اثبات فرضیه (آزمایش فرضیه توسط همکاران مشاهده‌گر در زمان‌ها و مکان‌ها و حالت‌های مختلف)؛

- چنان‌چه آن فرضیه نقض شد، یعنی یک مورد خلاف آن ثابت شد، آن فرضیه باطل و رد می‌شود و اگر اثبات گردید، یعنی در حالت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، نتیجه یکسان داد، آن فرضیه تبدیل به قانون می‌شود و وارد مرحله بعدی می‌گردد.

- قانون همیشه معتبر است و اگر درجایی، نادرستی آن اثبات گردید، آشکار می‌شود که در مقدمات آن اشکالی وجود داشته است، در غیر این صورت، قانون همیشه معتبر و ثابت است (ر.ک: پوپر، منطق اکتشاف علمی، ترجمه آرام، ۱۳۷۰؛ همو، حدس‌ها و ابطال‌ها، ترجمه جباری، ۱۳۷۰).

ج) ابطال‌پذیری

علوم تجربی حاصل کاوش‌ها و تجربه‌های بشری است که در طی قرن‌ها بر هم انباشته شده است. تا قبل از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دوشاخه نظریه‌های علمی اثبات نشده و قانون‌های علمی اثبات شده تقسیم می‌کردند. اگر نظریه علمی به وسیله مشاهده و تجربه‌های مکرر تأیید می‌شد، آن را اثبات شده و قانون علمی می‌دانستند.^[۸]

اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه علم، روشن شد که علوم تجربی افسانه‌های مفیدی است که در صحنه طبیعت و زندگی کاربرد دارد، اما هیچ‌گاه به صورت قانون در نمی‌آید.

در واکنش به نظریه پوزیتیویست‌های منطقی که با اشکال‌ها و تناقض‌های اساسی همراه بود، برخی هم چون «پوپر» که خود مدت‌ها جزو پوزیتیویست‌های منطقی شمرده می‌شد و در واقع، بزرگ‌ترین منتقد این نهضت نیز به شمار می‌آمد و انتقادات اساسی خود را باعث درهم شکستن پوزیتیویسم منطقی می‌دانست، ملاک علمی بودن و معنا داشتن قضیه‌ای را نه اثبات‌پذیری تجربی، بلکه درست مقابل آن، یعنی ابطال‌پذیری تجربی تلقی می‌کرد (پوپر، منطق اکتشاف علمی، ۱۳۷۰: ۵۶).

یعنی در تشکیل یک نظریه علمی، نخست به مسأله و مشکلی برخورد می‌کنیم؛ و در مرحله دوم راه حلی برای آن حدس می‌زنیم. سپس در مرحله سوم، قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استنتاج می‌کنیم؛ و در مرحله چهارم به ابطال این قضایا اقدام می‌کنیم. اگر این قضایا باطل نشود، آن نظریه، تا هنگامی که نظریه بهتری پیدا و جایگزین آن نشود، در علم باقی می‌ماند و مبنای عمل قرار می‌گیرد (ر.ک: پوپر، حدس‌ها و ابطال‌ها و منطق اکتشاف علمی، ۱۳۹۲؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۸۷: ۳/ ۴۹-۳۴).

۲.

مراحل تشکیل نظریه علمی در نظریه ابطال‌پذیری

پوپر پس از اشکالاتی که به نظریه پوزیتیویست‌ها وارد کرد، پیشنهاد کنار گذاشتن کلمه فرضیه و قانون و جایگزینی کلمه «نظریه علمی» را داد، او برای تشکیل یک نظریه علمی پنج مرحله معرفی می‌کند.

- مرحله مسأله یا نارضامندی از راه حل یک مشکل: در این مرحله، شخص از راه حل خود یا دیگران، برای یک مشکل علمی ناخشنود می‌شود و آن را نمی‌پذیرد؛

- مرحله حدس؛

- مرحله استنتاج قضایای قابل مشاهده و تجربه از راه حل جدید؛

- اقدام در جهت ابطال قضایای قابل مشاهده و تجربه؛

- اگر قضایای قابل مشاهده (استنتاج شده) باطل نشود، نظریه در علم می ماند و مبنای عمل قرار می گیرد، البته تا هنگامی که نظریه جدید و بهتری بیان نشود و چنانچه قضایای قابل مشاهده باطل شود، نظریه از حوزه علم خارج نمی شود، بلکه مبنای عمل قرار می گیرد تا هنگامی که نظریه کامل تر و بهتری جایگزین آن شود.

د) تأیید پذیری

مشکلات نشأت گرفته از اصل «اثبات پذیری» تا آنجا پیش رفت که نه تنها متافیزیک، بلکه علم را نیز تهدید به ابطال می کرد؛ درحالی که پوزیتیویست های منطقی با خیال آسوده حقیقت تزلزل ناپذیر علوم جدید را مسلم گرفته بودند، ولی معلوم شد اصل «اثبات پذیری»، قوانین علمی را نیز ابقا نخواهد کرد. از این رو به فکر چاره افتادند و افرادی مانند «ای. جی. آیر» (A.G. Ayer) (۱۹۸۹-۱۹۱۰م)، «رودلف کارنپ» (Rudolf Carnap) (۱۹۷۰-۱۸۹۱) و «همپل» (Hempel) (۱۹۹۷-۱۹۰۵م)، درصدد تعدیل معیار «اثبات پذیری» برآمدند و بدین ترتیب ایده «اثبات پذیری ضعیف» مطرح شد و رفته رفته اصل «اثبات پذیری»، جای خود را به اصل دیگر با معیار قوی تری به نام «تأیید پذیری» داد.

هدف «آیر» از بیان نظریه «اثبات پذیری ضعیف» به عنوان معیاری برای تمییز، این بود که بتواند احتمال درستی یک گزاره را به وسیله تجربه اثبات کند.

بر طبق این معیار، یک قضیه در صورتی معنا دارد که امکان تأیید آن وجود داشته باشد. یعنی بتوان قضایای صادقی از آن بیرون کشید (خرمشاهی، پوزیتیویسم منطقی، ۱۳۷۸: ۱۷).

جمع بندی و دیدگاه مختار

با توجه به دیدگاه های ارائه شده، به نظر می رسد مناسب ترین معیار برای تمییز «علم» از «غیر علم» تلفیقی از معیارهای یادشده باشد چنانچه برخی معاصران برای تعیین معیار علم از غیر علم، از مجموع دیدگاه های اثبات پذیری، ابطال پذیری و تأیید پذیری دیدگاهی را ارائه کرده اند که نوعی جمع بندی بحث است؛ ایشان مناسب ترین معیار برای تمییز «علم» از «غیر علم» را در تلفیقی از معیارهای یادشده یافته است که می توان گفت گزاره علمی (تجربی)، گزاره ای است که بتوان با استفاده از تجربه در باب آن داوری کرد؛ خواه این داوری به اثبات یا تأیید و یا ابطال آن گزاره منجر شود؛ از سوی دیگر، هر گزاره ای که واجد چنین ویژگی ای نباشد، از قلمرو «علوم تجربی» خارج

است (بستان و همکاران، گامی به سوی علم دینی، ۱۳۸۷: ۵۷). البته آن چه از مجموعه این دیدگاه‌ها می‌توان به دست آورد آن است که دسترسی به علوم قطعی مبتنی بر تجربه که انتظار تغییر یا رد آن در آینده وجود نداشته باشد بسیار سخت می‌نماید.

۵. عدم وجود همه علوم در روایات

با توجه به وجود رابطه سازگارانیه بین احادیث علمی و علوم جدید و نبودن تعارض واقعی بین حدیث و علم که به عنوان دومین مبنا مورد بررسی قرار گرفت لازم است که مشخص گردد، این رابطه تا چه اندازه است، در این باره سه احتمال قابل تصور است؛ الف) نگاه حداکثری، که قائلان این دیدگاه بر آن اند که همه جزئیات علوم بشری در احادیث موجود است؛ ب) دیدگاه حداقلی، که مطابق این دیدگاه، احادیث تنها به مسائل اخروی پرداخته و مطالب علمی در آن به طور محدود وجود دارد؛ ج) دیدگاه میانه.

الف) نگاه حداکثری (وجود همه جزئیات علوم بشری در احادیث)

بر اساس این نظریه، همه جزئیات علوم بشری در احادیث وجود دارد. در ادامه به بررسی و نقد دلایل این دیدگاه پرداخته می‌شود.

ظاهر تعدادی از آیات قرآن کریم بر این مطلب دلالت می‌کند که همه چیز در قرآن هست و از سوی دیگر با توجه به جنبه تبیینی و تفسیری احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) نسبت به قرآن، مطالب قرآن در احادیث اهل بیت منعکس شده است؛ پس همه چیز در احادیث وجود دارد.

- «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/ ۸۹)؛ «و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز و رهنمود و رحمت و مژده‌ای برای مسلمانان است».

- «مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/ ۳۸)؛ «(ما) هیچ چیز را در کتاب، فروگذار نکردیم سپس (همگی) فقط به سوی پروردگارشان گردآوری خواهند شد».

قرآن خلاصه‌ای از اسرار آفرینش است، پس همه علوم در قرآن وجود دارد و از آن الهام گرفته است، حتی مسائل فیزیک، شیمی و ریاضی در قرآن وجود دارد و اگر ما نتوانیم آن‌ها را پیدا کنیم، علتش این است که عقل ما، از درک و استخراج آن‌ها قاصر است و در آینده بشریت پیشرفت می‌کند و همه مسائل را از قرآن به دست می‌آورد.

- «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/ ۴۴)؛ و آگاه‌کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آن چه را که به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی و تا شاید آنان تفکر کنند. سخنان پیامبر تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم است. هم چنین مطابق حدیث ثقلین و دیگر دلایل احادیث اهل بیت ایشان نیز این گونه است، بنابراین، چنان که در قرآن همه جزئیات علوم

وجود دارد در احادیث نیز به تمام جزئیات علوم بشری اشاره شده است. و شاهد بر این مطلب هزاران روایت علمی از علوم مختلف است که از ایشان به ما رسیده است امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِذَا حَدَّثَكُمْ بِشَيْءٍ فَاسْأَلُونِي مِنْ كِتَابِ اللَّهِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/۱۶۰)؛ «هرگاه درباره چیزی برای شما حدیثی گفتم، [دلیل آن را] از کتاب خدا از من بپرسید».

در همین راستا، برخی روایات دلالت بر این دارد که همه علوم در احادیث وجود دارد و هم‌چنین عمومیت مستفاد از ظاهر آیات مورد بحث در دلیل اول را تأیید می‌نماید. پس روشن می‌شود که همه علوم در قرآن هست، اما افراد خاصی که مفسران حقیقی این کتاب می‌باشند از آن آگاهی دارند، برای نمونه به بعضی از این روایات اشاره می‌گردد.

- امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدْعُ شَيْئاً يَخْتِاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ» (صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، ۱۴۰۴: ۱/۶، ح ۳)؛ «خداوند متعال هیچ چیزی را که مسلمانان تا روز قیامت به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است؛ مگر آن‌که آن‌ها را در قرآن نازل فرمود و برای پیامبر خویش صلی الله علیه و آله بیان کرده است».

- امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْمَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَيَّ مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/۱۲۱، ح ۲)؛ «من آن‌چه را که در آسمان‌ها و در زمین است، می‌دانم؛ آن‌چه را که در بهشت است، می‌دانم؛ آن‌چه را که در دوزخ است، می‌دانم، و آن‌چه را در گذشته بوده و آن‌چه را در آینده خواهد شد، می‌دانم. سپس اندکی مکث کرد و دید که این سخنان بر شنوندگان، گران آمد. از این رو فرمود: این‌ها را من از طریق کتاب خداوند عز و جل می‌دانم. خداوند عز و جل می‌فرماید که بیان هر چیزی، در آن هست».

هم‌چنین در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است و اهل بیت به آن بطون آگاهی دارند. بنابراین بسیاری از علوم که در بطون قرآن مطرح شده است از طریق احادیث به ما می‌رسند.

بررسی و نقد

در رابطه با وجود همه علوم در قرآن کریم باید گفت:

اول این‌که قرآن و هم‌چنین احادیث معصومان به عنوان مبین و مفسر قرآن، انسان‌ها را به‌سوی شناخت خداوند متعال و فضایل و خوبی‌ها هدایت می‌کند، تا از خرافه‌پرستی دور شوند و حقوق افراد، خانواده و اجتماع را به صورت کلی بیان کرده، تا مردم با رعایت آن زندگی سالم داشته باشند

و بر جهان‌شناسی و معرفت طبیعت، تکیه می‌کند، تا رابطه انسان و جهان با خدا روشن شود و مردم شناخت و بینش بهتری نسبت به خدا پیدا کنند. بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن و احادیث، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با همه تفصیلات و فرمول‌های آن‌ها، بیان کرده باشد، بلکه اشاراتی به آیات الهی، در زمین و آسمان برای سیر در ملکوت و تفکر در صنع الهی دارد، تا به هدفش که تربیت و تزکیه انسان‌ها، نایل شود، پس منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل دینی و هدایتی مردم است، همان‌گونه که بعضی از مفسران هم گفته‌اند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۶/۵۵؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۲/۶۰۸).

هدف قرآن، تربیت معنوی انسان است و در این راه، لازم نیست همه معارف تجربی و غیرتجربی را برای بشر بیان کند؛ چون انسان عقل و احساس دارد و خود می‌تواند، مسائل تجربی و علوم را، به دست آورد. به علاوه این علوم، لازمه جدا نشدنی تربیت معنوی انسان نیست. یکی از اساتید صاحب‌نظر در این زمینه می‌فرماید: «لازم نیست قرآن در یک مسأله علمی، حتماً نظریه داده باشد، زیرا قرآن درصدد و در جایگاه حل مسائل علمی نیست. البته آن‌چه فرموده باشد حق است و اگر اشاره‌ای به نکته‌ای علمی داشته باشد و به راستی لفظ قرآن، بر آن دلالت کند حق است و جای هیچ حرفی نیست» (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۶۷: ۲۲۹).

دوم این‌که ظهور آیاتی که می‌فرماید همه چیز در قرآن است به دلایل ذیل قابل استناد نیست و نمی‌توان عمومیت آن‌ها را پذیرفت:

- این ظهور برخلاف بدهات است، زیرا بسیاری از مسائل علوم جدید، مانند فرمول‌های فیزیک و شیمی در ظواهر قرآن نیست.

- برخی از مفسران به صراحت این ظهور را انکار کرده‌اند و گفته‌اند منظور، وجود چیزهایی است که در مورد هدایت انسان لازم است و آن‌ها در قرآن وجود دارد.

سوم در مورد لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث، چندین احتمال ذکر شده است هم‌چون؛ قرآن کریم (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۴/۴۶۱؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۲/۲۱، طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۲/۳۲۵)، لوح محفوظ (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۴/۴۶۱؛ ثعالبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۲/۴۶۲)، اجل (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۴/۴۶۱)، علم خداوند متعال (ثعالبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸: ۲/۴۶۲)، امام مبین، که یکی از آن موارد این است که منظور قرآن باشد. پس نمی‌توان به‌طور قطع و اطمینان گفت که قرآن می‌فرماید همه چیزها، علوم و معارف دینی و دنیایی، در قرآن موجود است.

در مورد این‌که منشأ علم ائمه به همه معارف و علوم گذشته و آینده از راه قرآن است و قرآن دارای بطون است و اهل بیت به آن بطون آگاهی دارند، پس همه علوم در احادیث وجود دارد به چند صورت می‌توان پاسخ داد:

یک. ضمن بیان احتمالات در تفسیر آیات مورد بحث، بیان گردید که برخی «کتاب» را به معنای «امام مبین» یا «لوح محفوظ» یا «علم الهی» گرفته‌اند. بنابراین، تفسیر مسأله حل می‌شود، زیرا علوم و معارف نزد امام مبین است یا همه علوم در علم الهی یا در لوح محفوظ است که معصومان علیهم‌السلام از آن آگاه هستند. بنابراین موضوع وجود داشتن همه علوم در قرآن، مطرح نمی‌شود و اگر در روایات هم اشاره‌ای به کتاب الله و منشأ بودن آن برای علوم ائمه علیهم‌السلام شده است، در حقیقت اشاره به همان لوح محفوظ یا علم الهی است و این‌که در روایات تعبیر «کتاب الله» آمده است نه «قرآن» خود می‌تواند قرینه‌ای بر آن باشد.

دو. احتمال دارد علوم ائمه علیهم‌السلام یا باطن قرآن نیز مربوط به همان چیزی باشد که ظواهر قرآن، مربوط به آن است؛ یعنی درباره احکام الهی و هدایت الهی باشد، نه این‌که، مراد این دسته از روایات آن باشد که همه علوم و معارف بشری در قرآن و روایات وجود دارد. این مطلب از برخی روایات که ذیل آیات مورد بحث آورده شده است، استفاده می‌شود (عروسی حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۷/۳)؛ زیرا در این روایات مثال به حلال، حرام و حدود می‌زنند و سپس «كُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ»؛ «هر چیزی را که مردم به آن احتیاج دارند». را می‌آورند. بنابراین ممکن است منظور، احتیاج‌های دینی و هدایتی مردم باشند. علم پیامبر و امام به علوم و معارف بشری، از راه باطن قرآن یا از ناحیه قرآن یا از ناحیه وحی یا الهام ممکن است؛ اما بحث براین است که آیا این آیات دلالت بر این مطلب دارند یا ندارند؟

سه. این‌که ائمه علیهم‌السلام عالم به همه علوم باشند؛ اولاً مستلزم آن نیست که همه جزئیات آن را هم بیان کرده باشند. ثانیاً اگر هم بیان کرده باشند، مسائل دینی را بیان کرده‌اند که با هدف آن‌ها سازگار بوده است. ممکن است اینجا تفصیل قائل شویم؛ یعنی بگوییم:

۲۵

- ظواهر قرآن که مردم می‌فهمند، عبارت‌اند از بیان معارف دینی و هرچه مربوط به هدایت انسان است. بنابراین بیان علوم جدید، با همه جزئیات آن از اهداف ظواهر قرآن نیست.

- قرآن که مشتمل بر ظهر و بطن است، همه علوم و معارف دینی و غیردینی را در بردارد. اما مخاطب آن پیامبر و ائمه هستند و فقط آن‌ها می‌توانند با الهامات الهی و اتصال به لوح محفوظ این علوم را استخراج نمایند؛ یعنی قرآن تبیان همه‌چیز (علوم دینی و علوم جدید بشری) است، ولی فقط برای پیامبر و اوصیای او تبیان است.

در این زمینه علامه طباطبایی رحمته الله علیه ذیل آیه شریفه: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (نحل/ ۸۹) می‌فرماید:

«ظاهراً مراد از «لِكُلِّ شَيْءٍ» همه آن چیزهایی است که برگشتش به هدایت باشد، از قبیل معارف حقیقی مربوط به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواعظی که مردم در اهتداء و راه یافتنشان به آن محتاج‌اند، و قرآن تبیان همه این‌ها است. این آن مطلبی است که مفسران در این آیه گفته‌اند، و این وقتی صحیح است که منظور از تبیان، همان بیان معهود و معمولی، یعنی اظهار مقاصد به وسیله کلام و دلالت‌های لفظی بوده باشد، قرآن کریم با دلالت لفظی به بیشتر از آن چه گفته‌اند دلالت ندارد، لیکن در روایات آمده که قرآن تبیان هر چیزی است، و علم «ما کان و ما یکون و ما هو کائن» یعنی آن چه بوده و هست و تا روز قیامت خواهد بود، همه در قرآن هست، و اگر این روایات صحیح باشد لازمه‌اش این می‌شود که مراد از تبیان اعم از بیان به طریق دلالت لفظی باشد و هیچ بعدی هم ندارد که در قرآن کریم اشارات و اموری باشد که آن اشارات از اسرار و نهفته‌هایی کشف کند که فهم عادی و متعارف نتواند آن را درک نماید» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱۲/ ۳۲۵، با تلخیص).

بنابراین اگر مراد از بطون قرآن و علم ائمه این طریق باشد، از محل بحث ما خارج است؛ زیرا اختلاف در این بود که آیا همین ظواهر قرآن و احادیث موجود، همه علوم دینی و بشری را در بردارند یا نه و اگر کسی بگوید: پیامبر و ائمه می‌توانند از باطن و رموز قرآن، همه علوم را دریابند، ربطی به بحث ما ندارد؛ زیرا به بداهت حسی می‌یابیم، که در ظواهر قرآن و احادیثی که فعلاً در دست ماست، همه علوم بشری با جزئیات آن وجود ندارد. و این وجه جمع بین دو قول موافق و مخالف در این مسأله محسوب می‌گردد (رضایی اصفهانی، حدیث و علوم جدید، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

ب) دیدگاه حداقلی (پرداختن به مسائل اخروی در احادیث)

بر اساس این نظریه، حدیث و علم تقریباً از همدیگر جدا هستند. به عبارت دیگر حدیث به مسائل اخروی می‌پردازد و مسائل دنیوی را به مردم واگذار کرده است، چهره جدیدی از این نظریه را در سخنان کسانی می‌یابیم که می‌گویند: احادیث فقط مثال‌های علمی زده است. یا مطالب علمی احادیث را نمادین می‌دانند.

بررسی و نقد

احادیث، در موارد بسیاری به مباحث علوم طبیعی و علوم انسانی پرداخته است و گزاره‌های علمی احادیث، در موارد متعددی گزارش و اخبار از جهان طبیعت است؛ چنان‌که احادیث در زمینه تربیت، اقتصاد، سیاست، مدیریت، حقوق و... مطالب ارزنده‌ای دارد که در عصر کنونی نیز

دانشمندان این علوم به آن‌ها توجه دارند و گاهی در حد نظریه‌پردازی و اعجاز علمی مطرح می‌شود و مبانی و اهداف علوم را جهت‌دهی می‌کند، به عنوان نمونه علامه مجلسی رحمته‌الله، تنها در بخش کتاب السماء و العالم بحارالانوار تعداد ۳۸۱۸ روایت علمی در موضوعات مختلف و حداقل تعداد ۱۸۴۲ روایت علمی در سایر بخش‌های بحارالانوار آورده است که در همین نوشتار، ذیل عنوان «وجود روایات علمی در احادیث» به عنوان یکی از مبانی استنباط از احادیث علمی، عناوین موضوعات و شمارگان آن آورده شد، چنان‌چه به نمونه‌هایی از اقسام چهارگانه احادیث علمی - اشارات علمی اندیشه‌ساز، اشارات علمی شگفت‌آمیز، اعجازهای علمی و نظریه‌پردازی‌های علمی - احادیثی در ابتدای نوشتار اشاره شد. بنابراین نمی‌توان گفت که احادیث با علوم رابطه‌ای ندارند یا رابطه آن‌ها حداقلی و در حد مثال‌های علمی است و احادیث تنها به مسائل اخروی پرداخته است. برخی کتاب‌ها به گردآوری روایات علمی یا دسته‌ای خاص از آن‌ها؛ هم‌چون اعجاز علمی احادیث پرداخته‌اند^[۹] چنان‌چه برخی پایگاه‌ها^[۱۰]، مراکز علمی و مجلات میان‌رشته‌ای چنین رسالتی را بر عهده گرفته‌اند. و بحث از منبع‌شناسی حدیث و علوم مجال دیگری را می‌طلبد.

ج) دیدگاه میانه

بر اساس این دیدگاه احادیث و علوم رابطه سازگارانه دارند و هزاران حدیث به مسائل علمی پرداخته است و در موارد متعددی به اهداف و مبانی و روش‌های علوم انسانی و اخبار علوم طبیعی اشاره کرده است که در حد شگفتی و اعجاز علمی یا نظریه‌پردازی‌های علمی مطرح می‌شود که همگی این مطالب در راستای هدایت انسان، خداشناسی و معادشناسی و تنظیم امور زندگی و سعادت انسان است، اما این گونه نیست که همه جزئیات علوم، در احادیث بیان شده باشد. چرا که هدف احادیث این نیست که مانند کتاب‌های علوم جزئیات را بیان کند.

به نظر می‌رسد، بهترین دیدگاه در رابطه با قلمرو حدیث و علوم همین دیدگاه سوم باشد که با رد دیدگاه حداکثری و حداقلی، دیدگاه میانه باقی می‌ماند که مطلوب است و با احادیث سازگار می‌نماید. زیرا از یک طرف می‌بینیم که همه علوم بشری در ظواهر قرآن و روایات وجود ندارد و هدف اصلی قرآن و احادیث هم هدایت‌گری بشر به سوی خداست. و از طرف دیگر قرآن کریم و روایات معصومان ما را به تفکر و علم دعوت می‌کنند و برخی از مثال‌ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می‌کنند که بیانگر اعجاز علمی قرآن و روایات است. در مورد اعجاز علمی روایات در ابتدای نوشتار نمونه‌ای آورد شد، روایت ذیل نیز که از سخنان امام علی علیه‌السلام در باب فیزیک است از دیگر نمونه‌های اعجازهای علمی احادیث بر شمرده می‌شود.

«كُلُّ سَمِيعٍ غَيْرُهُ يَصْمُ عَنْ لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ، وَيَصِمُهُ كَبِيرُهَا»؛ «هر شنونده‌ای جز خدا، از شنیدن صداهای زیر، ناشنواست و صداهای بم، او را ناشنوا می‌سازد» (شریف الرضی، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱۴۱۲: ۹۶، خطبه ۶۵).

دانش جدید، امکان بهره‌گیری از امواج صوتی را فراهم آورده است. گوش انسان، توان گزینایی مقدار معینی از امواج صوتی را دارد که بین پانزده موج در ثانیه تا پانزده هزار موج باشد و اگر کم‌تر از این باشد، گوش ما قادر به شنیدن نیست، چنان که اگر مقدار امواج، افزون‌تر از پانزده هزار باشد، نیز نمی‌تواند بگیرد و شاید مقصود از کلام آن حضرت که فرمود: «لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ (صداهای زیر) و «كَبِيرِ الْأَصْوَاتِ (صداهای بم)» همین باشد (محمدی ری‌شهری، دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ۱۳۸۹: ۱۱/۴۱۰، به نقل از تصنیف نهج البلاغه، ۷۸۲). شایسته یادآوری است که جدیدترین نظریه فیزیکی در این مورد، این است که مقدار امواج صوتی قابل درک برای گوش انسان، بین ۲۰ تا ۲۰۰۰۰ بار در ثانیه است؛ یعنی متفاوت با نظریه پیشین که آن را بین ۱۵ تا ۱۵۰۰۰ در ثانیه می‌دانست (ر.ک: هالیدی و رزنیک، فیزیک، ترجمه گلستانیان و بهار، ۱۳۸۲: ۲/۹۵).

با توجه به وجود رابطه سازگارانه بین احادیث علمی و علوم جدید و نبودن تعارض واقعی بین حدیث و علم که به عنوان دومین مبنا از مبانی استنباط از احادیث علمی مورد بررسی قرار گرفت، و با توجه به بررسی دیدگاه‌ها در مورد چگونگی این رابطه، در این قسمت «عدم وجود همه علوم در روایات»، به عنوان پنجمین مبنا از مبانی خاص استنباط از احادیث علمی مطرح گردید.

نتیجه

در مجموعه احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام چهار دسته از احادیث مرتبط با علم قابل مشاهده است که بخش قابل توجهی از این مجموعه را به خود اختصاص داده است که عبارت است از: اشارات علمی اندیشه‌ساز، اشارات علمی شگفت‌آمیز، اعجازهای علمی و نظریه‌پردازی‌های علمی احادیث.

نبودن تعارض واقعی بین حدیث و علم، هماهنگی مطالب علمی احادیث با نظریه‌های علمی اثبات‌شده، قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی، وجود روایات علمی در احادیث، عدم وجود همه علوم در روایات، به عنوان مهم‌ترین مبانی و پیش‌فرض‌های یک پژوهشگر در فرایند فهم احادیث علمی است.

پی نوشت‌ها

[۱] «وَمِنْ لَطَائِفِ صَنَعَتِهِ وَعَجَائِبِ خَلْقَتِهِ مَا أَرَانَا مِنْ غَوَامِضِ الْحِكْمَةِ فِي هَذِهِ الْخَفَافِشِ الَّتِي يَقْبِضُهَا الصَّيَاءُ الْبَاسِطُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَيُسْطِطُّهَا الظَّلَامُ الْقَابِضُ لِكُلِّ حَيٍّ...».

[۲] عن الامام الصادق (عليه السلام) في معرض اجابته عن اسئله الزنديق، حيث قال: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ تَدُلُّ عَلَى حُدُوثِهَا مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِمَا فِيهِ وَهِيَ سَبْعَةُ أَفْلَاقٍ وَتَحْرُوكِ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَانْقِلَابِ الْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ الْوَقْتِ...».

[۳] عنه (عليه السلام) حيث كان جالسا على نهر الفرات ويديه قضيبي، فصرّب به على صفحة الماء وقال: لو شئت لجعلت لكم من الماء نورا ونارا (محمدي ري شهري، دانش نامه امير المؤمنين (عليه السلام) بر پايه قرآن، حديث و تاريخ، ۱۳۸۹: ۱۱/۴۱۲، ح ۵۶۱۴).

[۴] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَجَلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ جِئْتُ فِدَاكَ هَذِهِ قُبَّةُ آدَمَ (عليه السلام) قَالَ نَعَمْ وَلِلَّهِ قَبَابٌ كَثِيرَةٌ إِلَّا إِنَّ خَلْفَ مَغْرِبِكُمْ هَذَا تِسْعَةٌ وَثَلَاثُونَ مَغْرِبًا أَرْضًا بَيْضَاءَ مَمْلُوءَةً خَلْقًا يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ لَمْ يَعْصُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ طَرْفَةَ عَيْنٍ مَّا يَذُرُونَ خَلِقَ آدَمَ أُمَّ لَمْ يَخْلُقْ يَبْرُؤُونَ مِنْ فُلَانٍ وَفُلَانٍ. (كليني، الكافي، ۱۴۰۷: ۸/۲۳۱، ح ۳۰۱)

[۵] آمار ارائه شده در اين قسمت، بر مبنای مراجعه به بخش «كتاب السماء و العالم» بحارالانوار و هم چنین مراجعه اجمالی به ساير بخش های بحارالانوار است که ضمن بررسی روایات موجود و جداسازی روایاتی که در حیطه علوم تجربی نیست، به دسته بندی روایات علمی ذیل عناوین خاص پرداخته شد و با جمع بندی آن به ارائه آمار مذکور پرداخته شد. به نظر می رسد با بررسی دقیق تر، آمار روایات علمی ارائه شده افزون گردد.

[۶] ر.ک: مصباح یزدی، رابطه علم و دین؛ محمد علی رضایی اصفهانی، حدیث و علوم جدید؛ همو، «رابطه قرآن و علم و راه کار حل تعارض های ظاهری آنها»، مجله قرآن و علم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۲؛ سید محمد موسوی بجنوردی، «رابطه علم و دین»، نامه الهیات، شماره ۲، ص ۱۱۹. سید لقمان حکیمی، «رابطه حدیث و علوم» پژوهش نامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش؛ علی نقی امیری، رویکردهای مختلف نسبت به رابطه علم و دین، پژوهش های فقهی، شماره ۴؛ عبدالقاسم کریمی، «اسباب و زمینه های توهم تعارض علم و دین»،

نشریه کلام اسلامی، شماره ۵۲، ۱۳۸۳ش؛ اصغری، محمود، «جستاری پیرامون ادعای تعارض علم و دین»، پژوهش‌های اجتماعی، اسلامی، ش ۳۴، خرداد و تیر ۱۳۸۱ش؛ فغفور مغربی، حمید، «جستاری کوتاه در رابطه علم و دین»، مجله آینه معرفت، ش ۶، تابستان ۱۳۸۴ش؛ مهدوی‌نژاد، محمد حسین، «رابطه علم و دین با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شماره ۶ و ۷، ۱۳۸۱ش.

[۷] نامی است که بلومبرگ و هربرت فایگل در سال ۱۹۳۱ میلادی، بر مجموعه‌ای از افکار که حلقه «وین» پیشنهاد داده بود، اطلاق کردند.

[۸] در این مورد اشکالات متعددی به نحوه استقرای ناقص علوم شده و پاسخ‌هایی نیز ارائه شده است. ر.ک: سیاسی، مبانی فلسفه، ۱۳۶۳: ۲۴۴-۲۱۰؛ باربور، علم و دین، ۱۳۶۲: ۳ و ۲۱۴-۲۱۳؛ شهید صدر، الأسس المنطقیه للإستقراء، ۱۳۶۳: ۱۳۵ و ۴۰۰-۳۸۳؛ رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۸۳: ۲۰۰-۱۸۵.

[۹] به عنوان نمونه در کتاب «دانش‌نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ» ذیل عناوینی هم‌چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اتم‌شناسی، ریاضیات، فیزیک، زمین‌شناسی و... به گردآوری روایاتی از حضرت علی (علیه السلام) پرداخته است. ر.ک: محمد محمدی ری شهری، دانش‌نامه امیرالمؤمنین بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱۱، ص ۲۰۹ به بعد. هم‌چنین ر.ک: فاضل‌الصفار، موسوعة اهل البيت الكونية؛ احمد شوقی ابراهیم، موسوعة الاعجاز العلمی فی الحدیث النبوی؛ حمدی عبدالله صعیدی، موسوعة الاعجاز العلمی فی سنه النبویه؛ رضا صالح بن‌احمد، الاعجاز العلمی فی السنه النبویه؛ محمدعلی محمدسامی، الاعجاز العلمی فی السنه النبویه الصحیحه؛ لیب بیضون، الاعجاز العلمی النبوی؛ همو، الاعجاز العلمی عند الامام علی (علیه السلام)؛ ابراهیم سرور، الاعجاز العلمی عند الامام الصادق (علیه السلام)؛ سید هبه‌الدین شهرستانی، الاسلام و الهیئه؛ مهدی

طاهری، سلامتی و طول عمر در احکام اسلام همراه با اثبات علمی و طبی، حسین علی‌آذر بادگان، مقاله «بررسی علمی و فقهی الكل و فراورده‌های آن»، مجله کاوشی نو در فقه، ش ۳۱ و ۳۲، ۷۸ صفحه از ۲۶۰ تا ۱۸۳، بهار و تابستان ۱۳۸۱ش؛ حسینعلی‌علایی، ابراهیم رضایی آدریانی، مقاله «حکمت تحریم گوشت خوک در قرآن، حدیث و علم»، مجله قرآن و علم، شماره ۱۳، ص ۱۸۲-۱۶۱، پاییز و زمستان ۹۲ش؛ علی شریفی، مقاله «رنگ از منظر قرآن، حدیث، و روانشناسی»

مجله قرآن و علم، شماره ۱۴، ص ۱۶۱-۱۸۲، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش؛ سید علی اکبر ربیع نتاج، فاطمه سادات سلیمی، لیلا سادات میرزایی، مقاله «شگفتی‌های آفرینش مورچه از منظر قرآن، نهج البلاغه و علم» مجله قرآن و علم، شماره ۱۶، ص ۹۳-۱۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۴ش.

[۱۰] ر.ک: موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة (www.55a.net)؛ موقع عبدالدائم الکحیل للاعجاز العلمی فی القرآن و السنة (www.kaheel7.com)؛ الهيئة العالمیه للاعجاز العلمی فی القرآن و السنة (www.nooran.org)؛ شبکه الاعجاز فی القرآن و السنة (www.miracweb.net)؛ الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة (www.zelnagar.com)؛ رابطة العالم الاسلامی (www.thewml.org)؛ وب سایت الاعجاز العلمی فی القرآن و السنة (www.ejaz.org)؛ المعهد العالمی للفکر الاسلامی (www.eiit.org).

منابع

۱. ابن درید ازدی، محمد بن حسن، ترتیب جمهره اللغه، ترتیب و تصحیح: عادل عبد الرحمن بدری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. اصغری، محمود، جستاری پیرامون ادعای تعارض علم و دین، پژوهش‌های اجتماعی، اسلامی، ش ۳۴، خرداد و تیر ۱۳۸۱ ش.
۴. امیری، علی نقی، رویکردهای مختلف نسبت به رابطه علم و دین، پژوهش‌های فقهی، شماره ۴، بهار ۱۳۸۵ ش.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ ش.
۶. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
۷. بستان نجفی، حسین و همکاران، گامی به سوی علم دینی، قم: پژوهش‌های حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۸. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی، مبانی اصول قواعد و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
۹. پوپر، کارل ریموند، منطق اکتشاف علمی، ترجمه: احمد آرام، تهران: سروش، چاپ سوم، ۱۳۷۰ ش.
۱۰. پوپر، کارل ریموند، حدس‌ها و ابطال‌ها، رحمت الله جباری، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲ ش.

۱۱. پهلوان حسین، اکرم، روان‌شناسی رنگ‌ها و قرآن کریم، مجموعه مقالات بیست و پنجمین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. جواهری، محمدحسن، درسنامه ترجمه: اصول، مبانی و فرآیند ترجمه قرآن کریم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.
۱۵. خرمشاهی، بهاء‌الدین، پوزیتویسم منطقی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. راد، علی، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. رستم‌نژاد، مهدی و نوید، مهدی، اعجاز رنگ‌ها در قرآن، قرآن و علم، شماره ۷، پائیز و زمستان، ۱۳۸۹ ش.
۱۹. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، تهران: سازمان اوقاف، اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق ترجمه قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعة المصطفی العالمیة، ۱۳۸۷ ش.

۲۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، رابطه قرآن و علم و راه‌کار حل تعارض‌های ظاهری آنها، قرآن و علم، شماره ۲، بهار و تابستان، ۱۳۸۷ش.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی حدیث تأبیر النخل علوم حدیث، ش ۵۲، تابستان ۱۳۸۸ش.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۹، ۱۳۹۰ش.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، حدیث و علوم جدید، قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، ۱۳۹۲ش.
۲۶. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۷. سروش، عبدالکریم، نامه «بشر و بشیر»، روزنامه کارگزاران، ۱۹ و ۲۰/۱۲/۱۳۸۷ش.
۲۸. شریفی، علی، رنگ از منظر قرآن، حدیث، و روانشناسی، قرآن و علم، شماره ۱۴، ۱۳۹۳ش.
۲۹. سیاسی، علی اکبر، مبانی فلسفه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶ش.
۳۰. الشریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۱. صادقی، رضا، نقدهای پوپر و مشکلات ابطال‌پذیری، معرفت فلسفی، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۹ش.
۳۲. الصدر، سید محمد باقر، الاسس المنطقیه للاستقراء، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ چهارم، ۱۴۰۲ق.
۳۳. الصفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (صلی الله علیهم)، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۳۴. صرامی، سیف‌الله، مبانی حجیت آرای رجالی، قم: دار الحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ش.
۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۳۷. الطریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۸. عابدی، احمد، وحی قرآنی و وحی بیانی، اندیشه نوین دینی، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۸۷ش.
۳۹. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۰. العسکری، حسن بن عبدالله، الفرق فی اللغه، تعلیق و تصحیح: محمد علوی مقدم، ابراهیم الدسوقی شتا، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ش.
۴۱. فغفور مغربی، حمید، جستاری کوتاه در رابطه علم و دین، مجله آینه معرفت، ش ۶، تابستان ۱۳۸۴ش.
۴۲. فهیمی تبار، حمیدرضا، کاوشی در روایت تأبیر النخل، حدیث پژوهی، ش ۸۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ش.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۴. کریمی، عبدالقاسم، اسباب و زمینه‌های توهّم تعارض علم و دین، نشریه کلام اسلامی، شماره ۵۲، ۱۳۸۳ش.
۴۵. لوشر، ماکس، روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه: ویدا ابی‌زاده، تهران: درس، چاپ هفتم، ۱۳۷۳ش.

۴۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۷. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، قم: التمهید، ۱۳۷۹ش.
۴۸. مفضل بن عمر، توحید المفضل، قم: داوری، بی تا.
۴۹. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، قم: دار الحدیث، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
۵۰. مسعودی، عبدالهادی، آسیب شناخت حدیث، قم: زائر، ۱۳۸۹ش.
۵۱. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، قم: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۵۲. مصباح یزدی، محمد تقی، رابطه علم و دین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۹۳ش.
۵۳. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن، قم: در راه حق، ۱۳۶۷ش.
۵۴. موسوی بجنوردی، سید محمد، رابطه علم و دین، نامه الهیات، شماره ۲، بهار ۱۳۸۷ش.
۵۵. مهدوی نژاد، محمد حسین، رابطه علم و دین با تکیه بر دیدگاه شهید مطهری، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۶ و ۷، ۱۳۸۱ش.
۵۶. نصیری، علی، آشنایی با علوم حدیث، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲ش.
۵۷. نصیری، علی، نقد شبهه راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی با تأکید بر روایت تلقیح خرما، اندیشه نوین، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۱ش.
۵۸. هالیدی، دیوید و رسنیک، رابرت و واکر، جیرل، مبانی فیزیک، ترجمه: نعمت‌الله گلستانیان، محمود بهار، تهران: مبتکران، ۱۳۸۲ش.